

اصطلاحات هنری شمسۀ کلیات شمس

اردشیر مجرد تاکستانی

چون در شماره پیشین نامه بهارستان (دفتر ۱۱/۱۲: ۳۳۳ - ۳۳۵) ندیدم اشاره‌ای به اصطلاحات مربوط به شمسۀ دیوان کبیر بشود. پس فرصت را مناسب دانستم تا چند کلمه‌ای در توضیح آن بنویسم.

۱. شمسه: نقش تزئینی، اغلب به شکل دایره و به صورت خورشیدکه در تذهیب به کار می‌رود و اشکال گوناگون دارد.
۲. نعل شمسه: ۱/۲ طرح شمسه را گویند. اصطلاحی است که امروزه به کار نمی‌رود.
۳. شرفه: خطوط نقش داری را گویند که در اطراف شمسه‌های بزرگ طراحی می‌شوند و شمسه را به شکل خورشیدی درمی‌آورند که شعاع‌های آن به اطراف پراکنده است. گاهی شرفه را بدون نقش طرح می‌کنند. اغلب در اطراف آخرین جدول کتاب‌های نفیس و ترصیع‌های پرکار، از شرفه به رنگ لاجورد استفاده می‌شود. شرفه انواع گوناگونی دارد که هر نقاشی به سلیقه خود طراحی می‌کند.
۴. زنجیره: طرح ساده‌ای است که انواع گوناگون، ولی محدود دارد و بین دو جدول گره و غیر آن یا به تنهایی از آن استفاده می‌شود. طرح‌های زنجیره تقریباً محدود است و نقاش نسبت به سلیقه خود طراحی می‌کند.
۵. گره: انواع گوناگون دارد و در تذهیب، نقاشی، طراحی منسوجات و غیره به کار می‌رود. اساس و پایه طراحی گره‌اندازه‌گیری و نقطه است. تقسیم‌بندی و اندازه‌گیری برای طراحی گره و جایگذاری نقطه‌ها از مهم‌ترین بخش‌های طراحی است و سپس اتصال به نقطه‌ها، با خطوطی کوتاه که بر اساس طراحی گره یا باید بر زیر نقطه‌ها قرار گیرد یا بر روی آنها.
۶. ابرک: شمسه‌ای کوچک است که حرکت‌هایی شبیه به ابر دارد. شکل داخل ترنج به نام «ابرک» و به صورت تنها خوانده می‌شود. به صورت مجموع در ترنج با نام واگیره‌های ترنج و اجزا آن خوانده می‌شود. ابرک شکل‌های گوناگون دارد.
۷. فضاهای خالی (لچکی): فضاهای خالی بین اجزا ترنج خود به صورت لچکی‌های متصل به هم یا واحد تشکیل دهنده خوانده می‌شوند. طرح‌های داخل فضاهای خالی، که در بیشتر تذهیب‌های مانند شکل مورد نظر طراحی شده‌اند، این فضای خالی را پر می‌کنند و تعریف لچکی برای آنها کافی است.
۸. کشتی: مجموع زنجیره و گره به همراه جداول آنها را گویند.

